

سنجش رابطه میان رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی^۱

محمد شیخی - دانشیار شهرسازی، گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
محمود جمعه پور - استاد شهرسازی، گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
افشین سجادی* - کارشناس ارشد شهرسازی گرایش برنامه ریزی شهری و منطقه ای، گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

چکیده

توجه به کنش متقابل میان شاخص های محیطی و اجتماعی مانع از نگاه تک بعدی به مبحث توسعه پایدار در شهرسازی می شود و نتایج حاصل از تحلیل آن می تواند به عنوان راهنمایی مفید برای شهروندان به کار گرفته شود. از اینرو هدف مقاله حاضر تبیین ارتباط میان رضایتمندی شهروندان از فاکتورهای محیطی و اجتماعی مؤثر بر توسعه محلات شهری در نمونه موردی محله چیدر شهر تهران می باشد. پژوهش حاضر، یک تحقیق میدانی و با رویکرد توصیفی تحلیلی بوده که در آن چارچوب نظری با استفاده از روش اسنادی تدوین گردیده است و با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه به گردآوری داده ها پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان دهنده متوسط بودن میزان رضایت ساکنین از کیفیت های محیطی و پایین بودن پایداری اجتماعی می باشد که در بین شاخص های کیفیت محیطی؛ پیاده مداری و ایمنی، و در بین شاخص های پایداری اجتماعی؛ اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی به ترتیب بالاترین و کمترین میزان رضایت را دارند. همچنین رابطه معنی دار بین شاخص های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی و تأثیرگذاری آن ها بر یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت که طبق آن میزان همبستگی متغیر اعتماد اجتماعی با پیاده مداری (۰/۴۱۲)، ویژگی های بافت (۰/۴۸۹) و ویژگی های کالبدی (۰/۵۱۲) در حد متوسط، میزان همبستگی روابط اجتماعی با پیاده مداری (۰/۳۳۶)، ویژگی های کالبدی (۰/۳۳۱) و ایمنی (۰/۳۳۱) در حد متوسط، میزان همبستگی مشارکت اجتماعی با ویژگی های عملکردی (۰/۵۰۳) و ویژگی های بافت (۰/۳۴۱) در حد متوسط، و در نهایت میزان همبستگی احساس امنیت با ویژگی های عملکردی (۰/۳۳۵) در حد متوسط ارزیابی گردید و در سایر موارد همبستگی قابل توجهی میان متغیرها دیده نشد. همچنین نقش اساسی مرکز محله، پیاده مداری، شبکه های اجتماعی محلی و فضاهای زمینه ساز رخ دادن کنش ارتباطی، به عنوان مهمترین فاکتورهای تقویت کننده کنش متقابل میان کیفیت های محیطی و پایداری اجتماعی شناسایی شدند.

کلیدواژه ها: پایداری اجتماعی، چیدر، رضایتمندی، کیفیت محیطی

^۱ پژوهش حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده سوم (افشین سجادی) با عنوان "برنامه ریزی محله ای بر مبنای نظام ارتباطی، نمونه موردی محله چیدر" در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، به راهنمایی آقای دکتر محمد شیخی و مشاوره آقای دکتر محمود جمعه پور می باشد.

E-mail: sajadi921@atu.ac.ir

* نویسنده مسئول:

ارجاع به این مقاله:

شیخی، محمد، جمعه پور، محمود، سجادی، افشین. (۱۳۹۷). سنجش رابطه میان رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی (نمونه موردی: محله چیدر). *دانش شهرسازی*، ۲(۴)، ۳۱-۱۹. doi: 10.22124/upk.2019.10171.1090

بیان مسأله

در قرن اخیر برای اولین بار در تاریخ بشر تعداد شهرنشینان از تعداد روستانشینان بالاتر رفته است؛ به طوری که بیش از ۵۵ درصد جمعیت دنیا در نقاط شهری ساکن هستند (Dye, 2008). افزایش جمعیت شهری که توسعه کالبدی شهرها را در پی داشته است، در دهه های اخیر موجب بروز چالش هایی بین نظریه پردازان و همچنین استفاده کنندگان از محیط شهرها شد. این چالش ها عموماً حول مفاهیم و مؤلفه های مؤثر بر کیفیت زندگی و به تبع آن کیفیت محیط شهری می چرخند. نظریه پردازان مسائل شهری معتقدند توجه صرف کمی و تکنیکی به مسائل شهرها خطاست و تأکید بر جنبه های کیفی نیز بحث انگیز است. کیفیت محیط شهری در توجه توأم به جنبه های کیفی و کمی عناصر شهری و اجزای تشکیل دهنده آن ها نهفته است (Pacione, 2003). از طرفی توجه به توسعه پایدار در پژوهش های مرتبط با توسعه گسترش یافته است و این در حالی است که پایداری اجتماعی نیز به عنوان یکی از ابعاد اصلی پایداری در قیاس با ابعاد زیست محیطی و اقتصادی در مبحث توسعه پایدار کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ حال آنکه در برنامه ریزی محله ای پایدار لازم است موضوعات اجتماعی و اقتصادی در کنار محرکه های محیطی مورد توجه قرار گیرند، چنانچه شرایط ناپایدار اجتماعی می تواند نهایتاً به ناپایداری محیطی منجر شود (عزیزی، ۱۳۸۵). در حال حاضر طرح ها و برنامه های توسعه شهری در ایران بدون توجه به ایجاد ارتباط بین متغیرهای محیطی و اجتماعی تهیه می شوند که همین موضوع، تک بعدی بودن طرح ها را به دنبال داشته و از کنش متقابل این دو غفلت ورزیده اند و این امر موجب عدم انسجام و کارایی طرح ها شده است. برنامه ریزی محله ای نیز به عنوان مکمل فرآیند توسعه شهری می تواند در تعریف و پیوند مفاهیم مرتبط با کیفیت محیط و پایداری اجتماعی مؤثر واقع شود. در این بین، محله چیدر، واقع در منطقه یک شهر تهران، به عنوان یک از محله های تاریخی شهر تهران شناخته می شود که تا حدود زیادی توانسته است ویژگی های اجتماعی مربوط به محله های سنتی ایرانی را در خود حفظ کند؛ این در حالی است که وضعیت محیطی این محله تحت تأثیر ساخت و سازهای جدید مدرن دچار تغییراتی شده است که این تغییرات ناهمخوانی وضعیت اجتماعی و کیفیت های محیطی را موجب شده است. از اینرو در تحقیق حاضر با هدف تبیین ارتباط میان شاخص های محیطی و اجتماعی مؤثر بر روند رشد و توسعه محلات شهری به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که میزان رضایتمندی شهروندان از شاخص های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی محله چیدر چگونه بوده و چه رابطه ای با یکدیگر دارند و این رابطه در بستر ادبیان نظری پژوهش چگونه تبیین می گردد.

مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش حاضر در دو بخش مرتبط با کیفیت محیطی، شامل ارائه ای تعاریف و مفاهیم کلی مرتبط با کیفیت محیطی و رویکردهای مطرح در کیفیت محیطی و سپس بخش پایداری اجتماعی و شاخص های مرتبط با آن ارائه می گردد.

کیفیت های محیطی

از اوایل دهه ۱۹۶۰ بحران های شهری گسترده تر شد و به دنبال بروز بحران در جنبه های مختلف زندگی شهری اعم از زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی، اقتصادی و... یک آگاهی عمومی نسبت به مشکلات محیطی و نزول کیفیت محیط شهرها در مقیاس شهر و محلات مسکونی به وجود آمد، به گونه ای که کیفیت های محیطی در رابطه با مسائل اقتصادی-اجتماعی قرار گرفت و بسیاری از تحقیقات تجربی کاهش کیفیت های محیطی را در مناطق فقیر مورد تأیید قرار دادند (Fobil et al., 2010; Adebote et al., 2008; Bernheim, 2008). فرآیند جهانی شدن و رشد اقتصادی نیز به نوبه خود تأثیر زیادی بر کاهش کیفیت های محیطی در شهرها داشت و آن ها را با تنزل جدی روبرو نمود (Shahbaz et al., 2015). در دهه ۱۹۶۰، شناسایی معیارها برای سنجش کیفیت محیط شروع شد و از آن زمان تاکنون بسیاری از استانداردها برای شاخص های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی تدوین شده است (خدایی و پورخیری، ۱۳۸۸). در اولین کنفرانس سکونتگاه های سازمان ملل در سال ۱۹۷۶، مفهوم کیفیت محیط مطرح شد. در این کنفرانس کیفیت محیط را با برآورده کردن نیازهای اساسی انسان و عدالت اجتماعی مترادف دانستند که این نیازها عبارتند از: غذا، مسکن، شغل، بهداشت، آزادی، شرافت، امکان پیشرفت فردی و توزیع عادلانه درآمدهای توسعه (بحرینی و طبیبیان، ۱۳۷۷).

نگاه به ادبیات موجود شهرسازی حکایت از آن دارد که تمام تلاش‌ها در دست‌یابی به مفهوم فضاهای شهری پایدار با مفهوم کیفیت در فضای شهری پیوند خورده است (علی پور و همکاران، ۱۳۹۱). کیفیت^۱ واژه‌ای است که در تمامی رشته‌های هنری، علمی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهنی) درک و به صورت مستمر در چارچوب گفت‌وگو حوزه‌های مزبور به کار برده می‌شود (گلکار، ۱۳۷۹). کمیسیون طراحی ولز^۲ چنین بیان می‌کند که کیفیت نباید تنها به عنوان سیمای ظاهری و نمای بیرونی ساختمان‌ها در نظر گرفته شود؛ کیفیت باید در بردارنده تناسب اهداف، فعالیت‌های محیطی، پایداری اقتصادی و اجتماعی، پاسخگویی به نیازهای کاربران و اهداف و آرمان‌های اجتماعات ملی و محلی باشد (Cowan & Rogers, 2005). کیفیت محیط مفهومی است که در تئوری‌های مختلف از جنبه‌های گوناگون بررسی شده است و در واقع مفهومی چند بعدی است؛ به طوری که صاحب‌نظران ادعا می‌کنند تعریف مشخصی از این مفاهیم چند بعدی وجود ندارد (Van Kamp et al., 2003). کیفیت محیط از برآیند کیفیت اجزای متشکله یک مکان معین می‌شود، اما با این وجود بیشتر از جمع اجزای سازنده، بر ادراک کلی از یک مکان دلالت دارد. اجزای سازنده (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط انسان ساخت (مصنوع)، تسهیلات محیط کالبدی و منابع طبیعی) هر کدام مشخصه و کیفیت خاص خود را دارند (اورنگ، ۱۳۸۶).

رویکردهای مطرح در کیفیت محیط شهری

مرور ادبیات کیفیت محیط، روند رو به تکاملی را در باب کیفیت محیط نشان می‌دهد. برخی از نظریه‌پردازان با توجه به انسان به عنوان کاربر اصلی محیط شهری و نحوه پاسخگویی به نیازهای او با استفاده از طراحی و برخی دیگر با تأکید بر موضوع مکان و مکان‌سازی در طراحی فضاهای شهری با کیفیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. اخیراً نیز با مطرح شدن مفهوم پایداری و ورود آن به دانش طراحی شهری و نقش آن‌ها در دستیابی به اهداف توسعه رویکرد دیگری قابل شناسایی است. بدین ترتیب می‌توان نظریات موجود را در قالب سه رویکرد اصلی دسته‌بندی کرد؛ این رویکردها عبارتند از: رویکرد انسانی، رویکرد مکانی و رویکرد پایداری (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲).

رویکرد انسانی: مردم از طریق نیازهای در حال تغییر اجتماعی، روانی، زیبایی‌شناسی، عملکردی و عاطفی خود به طراحی شهری شکل می‌دهند. آن‌ها همچنین از طراحی شهرها به واسطه واکنش‌های اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی بی‌شمارشان به آنچه می‌بینند، می‌شنوند، لمس می‌کنند و در آن تجربه می‌کنند، تأثیر می‌پذیرند و گاه مشاهده می‌شود که بر آن نیز تأثیر می‌گذارند (Greed & Roberts, 2014; Reekie, 1972; Cooper et al., 2009). بدین ترتیب نگرش به کیفیت محیط در رویکرد انسانی شامل دستیابی به آن ویژگی‌های محیط است که بیشترین پاسخ را به نیازهای انسانی بدهد و افراد را هر چه بیشتر اجتماعی کرده و آن‌ها را تشویق به ایجاد رابطه با محیط و دیگران (دیگر افراد حاضر در محیط) کند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲).

رویکرد مکانی: طی دو دهه گذشته مفهوم خلق مکان برای مردم در طراحی شهری حکم فرما شده است؛ به طوری که پیتر بوکانان^۳ در ۱۹۸۸ می‌گوید: "طراحی شهری ضرورتاً درباره ایجاد مکان است" (Carmona et al., 2007). دپارتمان حمل و نقل، محیط و مناطق^۴ و کمیسیون معماری و محیط ساخته شده^۵ نیز در سال ۲۰۰۰ تعریف شفافی از طراحی شهری تحت عنوان "هنر خلق مکان‌ها برای مردم" ارائه دادند (DETR & CABE, 2000). مردم به مکان نیاز دارند تا در آن خود، زندگی اجتماعی‌شان و فرهنگشان را رشد و گسترش دهند. در مکان، آن‌ها می‌توانند صحنه‌های گوناگونی را تدارک ببینند و خاطره‌های جمعی بسازند. به این ترتیب فضای شهری واجد ارزش معنایی می‌شود و مکان انباشت خاطره‌های جمعی و صور خیالی مردمان می‌شود. در مردمان، حس تعلق را بر می‌انگیزد و آنان را به حضور در تعیین سرنوشت آینده‌ی مکان تشویق می‌کند (شاهین راد، ۱۳۸۶).

1. Quality

2. Design Commission for Wales

3. Peter Buchanan

4. Department of the Environment, Transport and the Regions (DETR)

5. Association of Building Engineers (CABE)

رویکرد پایداری: در سال های اخیر مفهوم پایداری و توسعه پایدار به دانش طراحی شهری نیز راه یافته است. اهمیت طراحی شهری در دستیابی به پایداری و پیشبرد اهداف توسعه پایدار به حدی است که گفته شده است: "طراحی شهری وسیله ای است برای دستیابی به توسعه پایدار و شرایطی بانات برای شکوفایی اقتصادی، استفاده محتاطانه از منابع و پیشرفت اجتماعی" (DETR & CABE, 2000). با در نظر گرفتن ابعاد سه گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و محیطی) باید خاطر نشان کرد که "کیفیت در طراحی شهری ارتباط تنگاتنگی با مفهوم پایداری دارد". طراحی شهری خوب می داند که می تواند ارزش اقتصادی به همراه داشته باشد. مکان هایی که خوب طراحی شده اند، فضاهایی هستند که مردم تمایل دارند در آن به زندگی، سپری کردن زمان و کار بپردازند. چنین مکان هایی می توانند ارزش مالی و اقتصادی بیافرینند؛ البته باید گفت که ارزش های طراحی شهری بسیار گسترده تر از فواید مالی آن است. مکان هایی که خوب طراحی می شوند بازه وسیعی از فواید اجتماعی و محیطی نیز ایجاد می کنند (English Partnership, 2000).

شهرسازان و نظریه پردازان بسیاری در زمینه بررسی معیارها و شاخص های ارتقاء و سنجش کیفیت محیط های شهری کوشیده اند؛ در واقع تدوین معیارها و شاخص های تعیین کیفیت محیط شهری به منظور مدل سازی اولویت ها، انتظارات و نیازهای ساکنین شهرها و محله ها امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. جین جیکوبز معیارهای یک طراحی شهری خوب را جهت نیل به کیفیت محیطی مطلوب در عواملی می داند که عبارتند از: فعالیت های مناسب، کاربری مختلط، توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیری و اختلاط اجتماعی (Jacobs, 1961). کوین لینچ مدلی شامل پنج محور عملکردی که از نظر او کلیه محورهای اصلی کیفیت یک شهر را تشکیل می دهند، به همراه دو فوق معیار کارایی و عدالت را به عنوان نسخه های جامع کیفیت شهر پیشنهاد می کند: سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت (لینچ، ۱۳۷۶). یکی از مشهورترین مجموعه کیفیت های طراحی شهری که توسط اهل فن ارائه شده است، مجموعه پیشنهادی است که توسط "یان بنتلی" و همکارانش در کتابی تحت عنوان "محیط های پاسخده" تدوین و ارائه گردیده است. اگر چه از عمق تئوریک قابل ملاحظه ای برخوردار نیست، لیکن به واسطه جامعیت نسبی و سهولت فهم و شیوه جذاب در ارائه و تصویرپردازی به یکی از مراجع مهم مورد استفاده محافل حرفه ای (و نه لزوماً آکادمیک) بدل شده است. یان بنتلی و همکارانش هفت معیار را که می باید در طراحی شهری رعایت گردند را به این ترتیب پیشنهاد می نماید: نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف پذیری، سازگاری بصری، غنا و قابلیت شخصی سازی. بعد ها به واسطه انتقاداتی که به مجموعه کیفیت های محیطی پاسخده وارد آمد یان بنتلی را واداشت تا در سال ۱۹۹۰ سه معیار جدید به عنوان مکمل معیارهای هفت گانه قبلی به ترتیب زیر ارائه نماید: کارایی مصرف انرژی، پاکیزگی، حمایت از طبیعت (Bentley, 1985).

طی سال های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰، فرانسیس تیبالدز^۳ به دنبال ارائه چارچوب طراحی معماری از سوی پرنس ولز، چارچوب طراحی شهری، شامل ده اصل را مطرح کرد. از نظر فرانسیس تیبالدز در یک طراحی شهری واجد کیفیات مطلوب موارد زیر رعایت می شود: توجه به مکان ها پیش از ساختمان ها، درس گرفتن از گذشته و احترام به بافت موجود، استفاده از کاربری مختلط، مقیاس انسانی، تأمین آسایش پیاده ها، قابلیت دسترسی برای همگان، ایجاد تمایز و خوانایی، ماندگاری، کنترل تغییرات، نوزایی عرصه عمومی (تیبالدز، ۱۳۸۷). یکی دیگر از محققانی که در این زمینه مطالعاتی داشته است و از جهتی یکی از نظریه هایی است که تا حدودی تمامی ابعاد رضایتمندی از محله ها را مورد بررسی قرار می دهند متعلق به مطالعات بنایتو^۴ و همکاران آن می باشد که به بررسی حس رضایت بر اساس دو ابزار کیفیت محیطی و دلبستگی مکانی پرداخته که ابزار کیفیت محیطی آن به یازده مقیاس در چهار معیار مولد شامل: فضایی، انسانی، کارکردی و بافتی تقسیم بندی شده است (Bonaiuto, 2003). شاخص های کیفیت محیطی ارائه شده توسط محققان، دارای طیف متنوعی است که هر کدام از این محققان بر اساس رویکرد تفکری خود به ارائه شاخص ها پرداخته اند؛ به طوریکه این رویکردها شامل طیفی از مباحث مختلف کالبدی، عملکردی، جنبه های انسانی یا اجتماعی می شود؛ اما به طور کلی، با نگاهی به رویکردهای مختلف کیفیت محیطی مشاهده می شود که رویکردهای کیفیت محیطی از نگاهی تک بعدی (توجه مطلق به عوامل کالبدی) به دیدگاه های چند بعدی (عوامل اجتماعی و معنا و...) تغییر پیدا کرده اند.

1. Ian Bentley

2. Responsive Environment

3. Francis Tibbalds

4. Bonaiuto

بنابراین انتخاب رویکردی ترکیبی که به نوعی هم بتواند مباحث کالبدی و عملکردی و هم مباحث اجتماعی و انسانی را در بر گیرد می تواند به عنوان رویکردی کامل تر مدنظر قرار گیرد.

پایداری اجتماعی

پایداری^۱ مفهومی است که به دنبال خود مفهوم مکملی به نام "توسعه پایدار"^۲ را مطرح می کند و در برخی موارد به جای یکدیگر به کار می روند (Weingaertner, 2014). مفهوم توسعه پایدار و ظهور آن در قالب فرآیند و عمل، مباحث زیادی را ایجاد کرده که تاکنون نیز ادامه داشته است (Jenkins et al, 2003). تعریف عام توسعه اشاره به تلفیق سه محور حفاظت محیط زیست، پیشرفت اجتماعی و رفاه اقتصادی برای رسیدن به دستاوردهای توسعه پایدار اشاره دارد (کلانتری و عبدالله زاده، ۱۳۹۱). مباحث امروزی پایداری، به نوعی نسخه های مدرن دغدغه های کهن و دیرین مربوط به چگونگی حفظ جوامع انسانی در درون بستر اکوسیستم های طبیعی هستند (Wheeler, 2013). بیشتر طرفداران پایداری در هنگام روبرو شدن با تعریف مفهوم یا مفاهیم توسعه پایدار، به علت کثرت تعاریف آن، درمانده می شوند و به تعریف سند برانتلند^۳ پناه می برند. در تعریف پایداری طبق سند برانتلند آمده است که: توسعه ای که نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب زدن به توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازهای خود برآورده می سازند. ترجیح بر استفاده از یک تعریف نسبتاً ساده فرآیند محور است که بر رفاه بلند مدت تأکید کند (جمعه پور، ۱۳۹۲، ۵۹). در تعریف اولیه گزارش برانتلند دو اصل در توسعه پایدار قابل شناسایی هستند: اصل برابری درون نسلی و اصل برابری برون نسلی در تأمین نیازها. در ادبیاتی که بعد از این گزارش ایجاد گردید، این اصول بسط یافته و شامل: برابری بین نسل ها، برابری درون نسل ها (شامل برابری اجتماعی، جغرافیایی و برابری در حکومت)؛ حفاظت از محیط طبیعی (و زندگی در چارچوب ظرفیت تحمل آن)؛ استفاده حداقل از منابع غیرقابل تجدید، بقای اقتصادی و تنوع، جامعه خوداتکا، رفاه فردی و رفع نیازهای اساسی افراد جامعه شده است (Maclaren, 1996).

در هنگام تعیین شاخص های سنجش توسعه پایدار معمولاً با طیف وسیعی از این شاخص ها مواجه خواهیم شد که هر کدام به نوعی دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند و نقایصی در تعریف مفاهیم و شاخص های مرتبط با آن وجود دارد (Eizenberg, 2017). همچنین اغلب رویکردهای مورد استفاده در سنجش پایداری اجتماعی رویکردهای بالا به پایین هستند که منافع عمومی و رویکردهای پایین به بالا را در نظر نمی گیرند (Magee et al, 2013). در این بین کمیسیون توسعه پایدار ملل متحد^۴ چارچوبی را که شامل شاخص های پایداری برای ارزیابی پیشرفت به سوی توسعه پایدار می باشد ایجاد کرده است. این چارچوب سلسله مراتبی از شاخص ها را گروه بندی می کند، که در این میان چهار وجه را برای توسعه پایدار تعیین کرده است که عبارتند از: محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی (جمعه پور، ۱۳۹۲: ۲۷۱). شرلوک نیز سه حوزه اصلی را که میبایست شاخص های اصلی توسعه پایدار در آن حوزه ها تعیین گردند را بیان می کند که عبارتند از: اقتصادی (ایجاد رفاه، بازار و صنعت)، اجتماعی (رفاه انسانی، جامعه، آموزش، برابری و سرمایه اجتماعی) و محیط زیستی (کنترل آلودگی، کاربرد بهینه منابع، حفاظت گونه ها) (Shearlock et al, 2000). اگر چه واژه تخصصی توسعه پایدار به طور کلی در بردارنده بررسی مسائل زیست محیطی بوده است اما پس از مدتی حوزه اقتصاد نیز در توسعه پایدار اهمیت یافت، با این وجود مباحث اجتماعی فقط از اواخر دهه ۱۹۹۰ در دستور کار توسعه پایدار قرار گرفت و پس از دستور کار ۲۱^۵ و استراتژی لیسبون^۶ در سال ۲۰۰۰ و در نهایت نشست اتحادیه اروپا در گوتنبرگ^۷ در سال ۲۰۰۱، پایداری اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفت که در شکل شماره ۱ نیز این روند قابل مشاهده می باشد (Colantonio & Lane, 2007). با این وجود نخستین بار در سال ۲۰۰۰، اتحادیه اروپا^۸ در لیسبون مباحث اجتماعی را به عنوان بخش جدایی ناپذیر مدل های توسعه پایدار تعریف کرد (Samuelsson et al, 2004).

1. Sustainability

2. Sustainable Development

3. Brundtland

4. The United Nations Commission on Sustainable Development (CSD)

5. Agenda 21

6. Lisbon

7. Gothenburg

8. European Union (EU)



شکل ۱. ابعاد مختلف توسعه پایدار و اهمیت نسبی هر یک از این حوزه ها

(منبع: Colantonio & Lane, 2007)

در برنامه ریزی محله ای پایدار لازم است موضوعات اجتماعی و اقتصادی در کنار محرکه های محیطی مورد توجه قرار گیرند، چنانچه شرایط ناپایدار اجتماعی می تواند نهایتاً به ناپایداری محیطی منجر شود (عزیزی، ۱۳۸۵). پایداری اجتماعی گاه با مفهوم مردم سالاری پیوند می خورد و آن را ایجاد ساختار نهادی برای حکمروایی خوب شهری برآمده از اراده سیاسی شهروندان و بر مبنای فعالیت و اقدامات گروه های سیاسی و اجتماعی در راستای پایداری، سیاست گذاری، هدایت و نظارت عملکردی تعریف می کنند (صرافی، ۱۳۸۰). یکی از وجوه مهم پایداری اجتماعی، سرمایه اجتماعی می باشد که در فرآیند برنامه ریزی محله مینا ضمن تأکید بر اهمیت ظرفیت سازی برای ایجاد اجتماعات محلی، توسعه آن را منوط به شکل گیری سرمایه اجتماعی می دانند و به این مهم اشاره می شود که سرمایه اجتماعی پیش نیاز فرآیند توسعه اجتماع محلی بوده و بدون سرمایه اجتماعی توسعه اجتماع محلی عملی نخواهد شد (حاجی پور، ۱۳۸۵). پایداری اجتماعی می تواند شامل مشخصه هایی همچون: آموزش، امنیت، مشارکت، برابری فرصت ها، توانمندسازی و توسعه نهادی باشد (کاظمی محمدی، ۱۳۷۸). پایداری اجتماعی به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار باید بر پایه ارزش هایی از برابری و دموکراسی باشد، بدین معنا که به لحاظ حقوقی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کیفیت جوامع تأثیر بگذارد (Sachs, 1999). پولس^۱ و استرن^۲ با تمرکز بر محیط شهری، تعریف نسبتاً جامعی از پایداری اجتماعی ارائه کردند که بر اساس آن پایداری اجتماعی به عنوان توسعه یا رشد، با تکامل جامعه شهری هماهنگ است؛ در واقع محیط زیست همسو با زندگی مشترک گروه های اجتماعی، برای یکپارچه سازی اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی تمامی اقشار جامعه توسعه می یابد و پایداری اجتماعی در جهت کاهش نابرابری ها و شکاف اجتماعی قدم بر می دارد (Polese & Stren, 2000).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به صورت موردی و با رویکردی توصیفی-تحلیلی با استفاده از تحلیل همبستگی به تبیین رابطه میان میزان رضایتمندی شهروندان از مؤلفه های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی در محله چیدر شهر تهران می پردازد. در ابتدا با استفاده از روش اسنادی به تدوین ادبیات نظری پژوهش پرداخته شده است و سپس با توجه به هدف تحقیق که دستیابی به نظرات شهروندان در رابطه با میزان رضایتمندی آن ها از شاخص های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی می باشد، با استفاده از روش پیمایشی و استفاده از ابزار پرسشنامه داده های مورد نظر برای پژوهش گردآوری شده اند؛ برای سنجش هر یک از شاخص ها، مطابق جدول شماره ۱ تعدادی گویه با استفاده از طیف لیکرت تدوین گردیده است که این گویه ها همراه با سؤالات تکمیلی ساختار پرسشنامه را تشکیل می دهند. برای بررسی و تجزیه و تحلیل داده ها نیز از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در پژوهش، ساکنین محله چیدر واقع در منطقه یک شهر تهران می باشند که دارای جمعیتی بالغ بر ۱۲۲۲۷ نفر است. روش نمونه گیری تحقیق حاضر، غیراحتمالی در دسترس می باشد که در این روش افرادی مورد مطالعه قرار گرفته اند که در زمان مطالعه در دسترس بوده اند و در چارچوب حجم نمونه نسبت به تکمیل پرسشنامه ها اقدام شده است. به منظور تعیین حجم نمونه نیز از فرمول کوکران استفاده شده است که این مقدار برابر با ۳۷۲ نفر برآورد گردید.

1. Polese

2. Stren

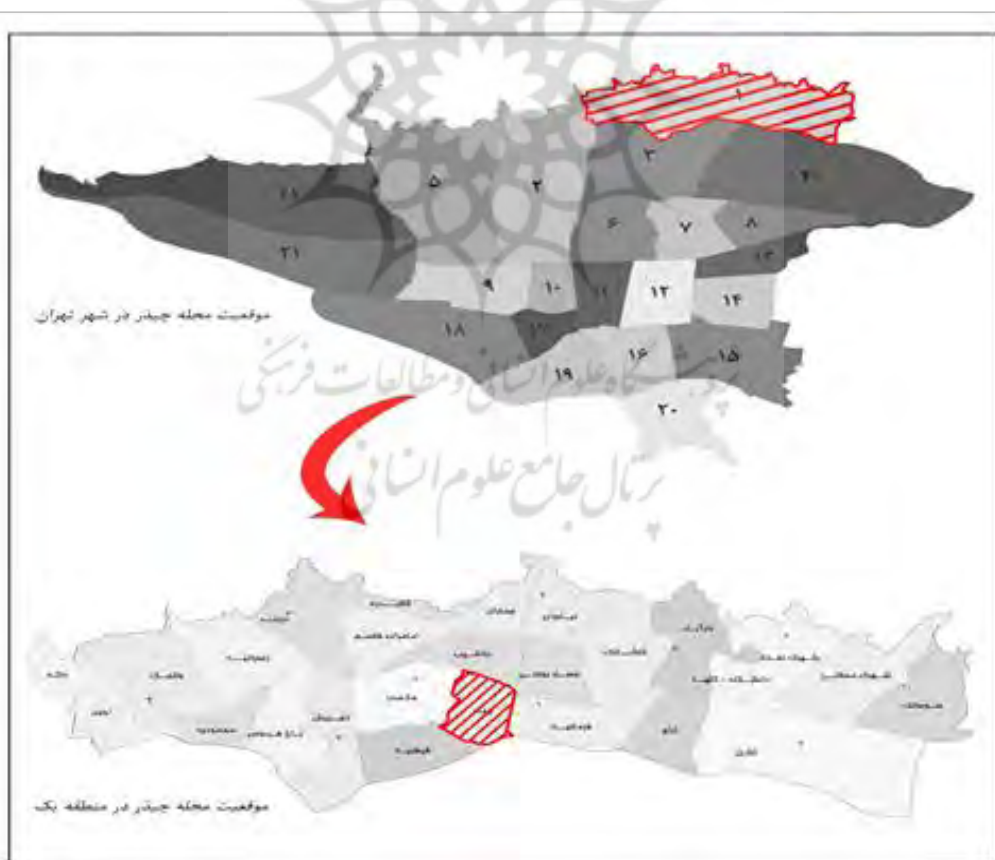
جدول ۱. شاخص‌های و گویه‌های مورد استفاده در پژوهش

متغیر	شاخص	گویه
کیفیت محیطی	ویژگی‌های عملکردی	وجود سلسله مراتب در کاربری‌های خدماتی محله ای
		عدم اختلاط کاربری‌های ناسازگار
		دسترسی به خدمات تفریحی و فراغتی
		سرانه مطلوب فضاهای سبز محله ای
		سهولت دسترسی به حمل و نقل عمومی
	پیاده‌مداری	بررسی کاربری‌های جاذب جمعیت پیاده
		بررسی ایمنی در مقابل حرکت سواره
		بررسی تداخل حرکت سواره و پیاده
		کفسازی در جهت سهولت و هدایت حرکت پیاده
		بررسی عرض مؤثر در مسیرهای حرکت پیاده
ویژگی‌های بافت	سهولت دسترسی به فضاهای محله ای	
	مطبوعیت زیباشناختی بافت	
	میزان خوانایی بافت محله	
	میزان کیفیت کالبدی بناها و مسکن	
	وضعیت بهداشتی و زیست محیطی در سطح محله	
ایمنی	ویژگی‌های کالبدی	کیفیت کالبدی دسترسی‌ها
		حجم ترافیک عبوری
		نوع و تعداد کره‌های ترافیکی
		بررسی تداخل مسیر حرکتی سواره و پیاده
		بررسی میزان مزاحمت خودروها برای اهالی محله
	اعتماد اجتماعی	میزان اقدام در جهت رفع مشکلات اهالی محله
		میزان اعتماد به هم محله ای‌ها
		میزان اعتماد به صداقت و دوستی هم محله ای‌ها
		شرکت در فعالیت‌های گروهی
		تمایل به شرکت در مراسم مذهبی
مشارکت اجتماعی	پایداری اجتماعی	تمایل به عضویت در تشکل‌ها و کانون‌ها
		بررسی میزان تعامل با همسایه‌ها
		بررسی کاربری‌های جاذب جمعیت پیاده
		بررسی میملمان شهری مردم‌گرا
		بررسی آسایش اقلیمی در جهت ایجاد زمینه تعاملات و حضورپذیری
	روابط اجتماعی	بررسی امنیت حاصل از حضور و عبور مردم - نظارت اجتماعی
		بررسی کاربری‌های شبانه
		بررسی نحوه نورپردازی شبانه
		احساس امنیت
		بررسی کاربری‌های شبانه

به منظور بررسی روایی محتوایی ابزار سنجش، پرسشنامه‌های مورد نظر در اختیار ده نفر از صاحب‌نظران و متخصصان امر در حوزه ی مورد نظر قرار گرفت که نظر آن‌ها در خصوص روایی پرسشنامه مثبت بوده است. بدین ترتیب پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش دارای روایی محتوایی و صوری کافی بوده‌اند. جهت بررسی روایی سازه پژوهش حاضر، به بررسی همسانی درونی سوالات از طریق محاسبه پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پرداخته شد که پس از تکمیل پرسشنامه‌های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی ضریب پایایی پرسشنامه جداگانه محاسبه شد که نتایج حاصل از بررسی پایایی پرسشنامه نهایی نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه کیفیت محیطی برابر با ۰,۹۲۶، و برای پایداری اجتماعی برابر با ۰,۷۳۳ گزارش شده است. بنابراین با توجه به میزان ضریب پایایی پرسشنامه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه‌های مورد استفاده از پایایی تحقیقی لازم برخوردار می‌باشند.

محدوده مورد مطالعه

محلۀ چیدر هم اکنون یکی از محلات واقع در منطقه ۱ تهران می باشد که در محدوده شهرداری ناحیه ۸ این منطقه قرار گرفته است. موقعیت نسبی محلۀ چیدر در منطقه ۱ به این صورت است که از شرق به محلۀ فرمانیه، از غرب به محلۀ حکمت، از شمال به محلۀ دزاشیب و از جنوب به محلۀ قیصریه ختم می شود. از مکان های مهم این محلۀ می توان به پارک قیصریه، امامزاده علی اکبر و مسجد قائم چیدر اشاره نمود. از مهمترین دلایل انتخاب محلۀ چیدر به عنوان نمونه موردی پژوهش حاضر می توان به این موارد اشاره نمود که: مردم این محلۀ از قومیت های مختلف به خصوص ترک و فارس هستند و اکثراً به زبان های فارسی و آذری صحبت می کنند و این تفاوت قومیتی به دنبال خود تنوع فرهنگی را در پی دارد که در هر صورت این موضوع می تواند پیش زمینه بروز مسائل اجتماعی خاصی همچون تضاد رفتاری و زبانی و سایر ویژگی های قومیتی خاص در محلۀ باشد. از طرفی محلۀ چیدر به طور کلی محلۀ ای مسکونی بوده و سایر کاربری ها متناسب با خدمات رسانی به اهالی محلۀ شکل گرفته اند و همین امر زمینه را برای بررسی شاخص های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی مساعدتر می سازد. همچنین ساختار دسترسی محلۀ به این صورت است که هر چه از لبه های محلۀ فاصله می گیریم و به بافت داخلی نزدیک می شویم نقش محورهای دسترسی کمتر می شود و از حالت شریانی به جمع و پخش کننده های محلی تغییر حالت می دهند و زمینه برای ایجاد فضاهای پیاده مدار و اجتماع پذیر بیشتر می شود. بافت قدیمی و مرکزی محلۀ چیدر که می توان موقعیت نسبی آن را در اطراف بارگاه امامزاده علی اکبر محسوب نمود دارای بافتی ارگانیک است و هنوز ویژگی های سنتی و بومی خود را حفظ نموده به طور کلی محلۀ چیدر به عنوان یکی از محلات تاریخی و قدیمی شهر تهران محسوب می گردد که تاکنون توانسته است بسیاری از ویژگی های اجتماعی و سنتی خود را حفظ کند که این موضوع نسبت به سایر محلات تهران قابل توجه می باشد و از این طریق می توان ردپای ویژگی محلات سنتی را در محلۀ چیدر راحت تر پیگیری نمود و اثرات آن را در شاخص های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی مورد تحلیل قرار داد.



شکل ۲. موقعیت محدوده مورد مطالعه

یافته های پژوهش

به منظور سنجش شاخص های مورد استفاده در پژوهش، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است تا به وسیله ی آن، همبستگی کل و همبستگی میان هر کدام از شاخص های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی به صورت دو به دو مورد سنجش قرار گیرد. همچنین با هدف سنجش رضایتمندی کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی، میانگین هر کدام از شاخص ها در محله چیدر نیز اندازه گیری شده است که این میزان نشاندهنده میانگین مجموعه گویه ها برای سنجش آن شاخص در محله در طیف ۱ تا ۵ می باشد. بر این اساس همانطور که در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲ مشاهده می شود، در رابطه با میانگین شاخص های کیفیت محیطی، ساکنین محله چیدر با میانگین ۲/۳۷ از ویژگی های عملکردی، با میانگین ۳/۰۱ از پیاده مداری، با میانگین ۱/۵۸ از ویژگی های بافت، با میانگین ۲/۱۱ از ویژگی های کالبدی و با میانگین ۱/۵۳ از ایمنی محله خود ابراز رضایت دارند که شاخص پیاده مداری بالاترین و شاخص ایمنی کمترین میزان رضایت را دارا می باشند و میانگین کل کیفیت محیطی در محله نیز برابر با ۲/۱۲ می باشد. همچنین در رابطه با میانگین شاخص های پایداری اجتماعی، میانگین اعتماد اجتماعی با میانگین ۲/۶۶، مشارکت اجتماعی با میانگین ۱/۵۸، روابط اجتماعی با میانگین ۱/۲۲ و احساس امنیت با میانگین ۲/۱۱، از نظر ساکنین محله چیدر مورد ارزیابی قرار گرفت که شاخص اعتماد اجتماعی بالاترین و شاخص مشارکت اجتماعی کمترین میزان را دارا می باشند و میانگین کل پایداری اجتماعی در محله نیز برابر با ۱/۷۹ می باشد. تحلیل نتایج حاصل از میانگین شاخص های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی در محله چیدر نشاندهنده وضعیت مناسب شاخص های ویژگی های عملکردی و پیاده مداری در میان شاخص های کیفیت محیطی است که این امر می تواند نشأت گرفته از ساختار و سلسله مراتب مناسب کاربری ها و توزیع و شعاع دسترسی مناسب آن ها در سطح محله باشد به طوریکه فعالیت های خرد تجاری، در مرکز محله چیدر و در کنار حوزه پیرامون امامزاده علی اکبر توزیع شده اند و مرکز محله منسجمی را ایجاد نموده است و از طرفی ویژگی های مورفولوژیک بافت محله چیدر به خصوص مرکزگرایی موجود در بافت آن، مؤلفه های پیاده مداری را در سطح محله ارتقاء داده است و زمینه مناسبی را برای افراد پیاده به منظور انجام فعالیت های خود فراهم ساخته است. همچنین در رابطه با شاخص های پایداری اجتماعی مشاهده می شود که اعتماد اجتماعی و احساس امنیت بالاترین میانگین را در بین شاخص های دیگر کسب کرده اند که ویژگی هایی همچون حفظ ارزش های اجتماعی سنتی در محله چیدر که با وجود جریانات مدرنیسم در شهر تهران کمتر دستخوش تغییرات قرار گرفته است در این امر مؤثر بوده است؛ همچنین از طرفی روابط خویشاوندی که از قبل در محله چیدر وجود داشته است و ساکنان آن کمترین میزان مهاجرت را داشته اند و همچون گذشته به صورت گروه های اجتماعی که با یکدیگر آشنا هستند و دارای روابط اجتماعی منسجمی می باشند، در کنار یکدیگر مشغول زندگی هستند و همین امر اعتماد اجتماعی بین آن ها را بهبود بخشیده است. از طرفی احساس امنیت موجود در محله از یک طرف ریشه در روابط اجتماعی بین ساکنین محله و نظارت اجتماعی آن ها بر محله دارد و از طرفی دیگر ساختار مرکزگرایی محله به مرکزیت امامزاده علی اکبر و وضعیت مناسب پیاده محور بودن حوزه پیرامون آن، باعث شده است که حجم تردد پیاده افزایش یابد. همچنین ترکیب پیاده محوری و توزیع مناسب ویژگی های عملکردی در محله موجب ده است تا ساکنین از احساس امنیت خود رضایت کافی داشته باشند. همچنین نتایج نشاندهنده این موضوع می باشد که میانگین کل رضایت ساکنین از شاخص های کیفیت محیطی برابر با ۲/۱۲ می باشد که اندکی از میزان متوسط پایین تر است و همچنین میانگین کل برای پایداری اجتماعی برابر با ۱/۷۹ می باشد که از حد متوسط بسیار پایین تر است و همین امر لزوم توجه هر چه بیشتر به ارتقاء کمی و کیفی شاخص های کیفیت محیطی و به خصوص شاخص های پایداری اجتماعی در محله را می طلبد.

نتایج تحلیل همبستگی نیز به تفکیک رابطه دوسویه هر کدام از شاخص ها، در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۳ ارائه شده است. ضریب همبستگی کلی بین متغیر کیفیت محیطی و متغیر پایداری اجتماعی در محله چیدر برابر با ۰/۲۷۶ می باشد که همبستگی ضعیفی را بین کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی نشان می دهد، اما آنچه که حائز اهمیت است نتایج همبستگی بالا و متوسط شاخص های هر کدام از این دو متغیر (یعنی اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و احساس امنیت برای متغیر پایداری اجتماعی و شاخص های ویژگی های عملکردی، پیاده مداری، ویژگی های بافت، ویژگی های کالبدی و ایمنی برای متغیر کیفیت محیطی) است که دارای رابطه معنی داری با یکدیگر هستند. با توجه به حجم بالای محاسبات صورت گرفته، به منظور کاهش حجم محاسبات از ارائه اعداد مربوط به گویه ها خودداری شده و صرفاً به داده های مربوط به شاخص ها اکتفا شده است. همانطور که مشاهده می شود شاخص اعتماد اجتماعی با ویژگی های کالبدی بیشترین و با ایمنی کمترین میزان همبستگی را دارد؛

شاخص مشارکت اجتماعی با پیاده مداری بیشترین و با ویژگی های عملکردی کمترین میزان همبستگی را دارا می باشد؛ شاخص روابط اجتماعی با ویژگی های عملکردی بیشترین و با ویژگی های کالبدی کمترین میزان همبستگی را دارد و شاخص احساس امنیت نیز با ویژگی های عملکردی بیشترین و با ویژگی های کالبدی کمترین میزان همبستگی را دارد. همانطور که بیان شد شاخص احساس امنیت بیشترین همبستگی را با ویژگی های عملکردی دارد که این موضوع در بخش میانگین شاخص ها نیز به نوعی اثبات گردید. محله چیدر به علت ساختار مرکزگرایانه خود نظارت اجتماعی را به واسطه تقویت پیاده مداری در محله به وجود آورده است و از طرف دیگر، توزیع کاربری ها به عنوان یکی از فاکتورهای مهم عملکردی، تردد پیاده در سطح محله به خصوص مرکز محله را افزایش داده است که این نیز به نوبه خود در احساس امنیت ساکنین مؤثر است. طبق نتایج، ویژگی های عملکردی نه تنها بر احساس امنیت مؤثر بوده اند بلکه با روابط اجتماعی نیز دارای بیشترین همبستگی هستند؛ توزیع مناسب عملکردها به خصوص کاربری مختلط در سطح محله و محیط اطراف امامزاده علی اکبر موجب افزایش تردد و در نتیجه افزایش کنش ارتباطی بین اهالی محله چیدر می شود که همین امر موجب بالا رفتن همبستگی بین این دو شاخص در محله شده است.

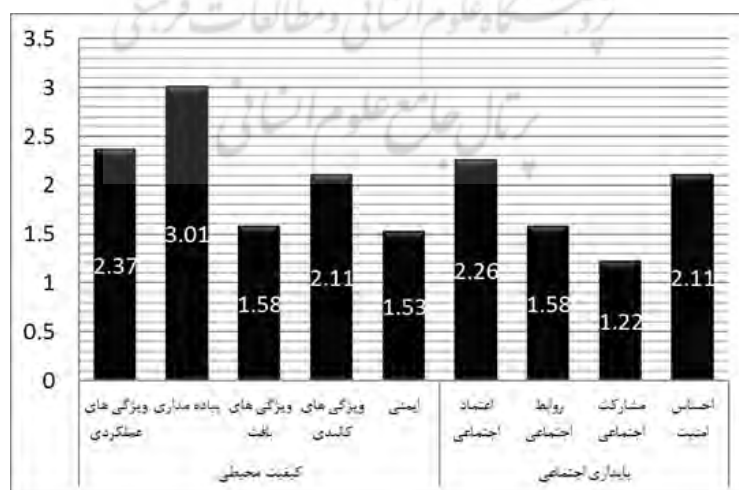
جدول ۲. ضریب همبستگی بین شاخص های پژوهش

احساس امنیت (میانگین: ۲/۱۱)	مشارکت اجتماعی (میانگین: ۱/۲۲)	روابط اجتماعی (میانگین: ۱/۵۸)	اعتماد اجتماعی (میانگین: ۲/۲۶)	پایداری اجتماعی (میانگین: ۱/۷۹)	
				کیفیت محیطی (میانگین: ۲/۱۲)	ویژگی های عملکردی
۰/۳۳۵	۰/۵۰۳	۰/۱۱۸	۰/۲۳۳	ضریب همبستگی	(میانگین: ۲/۳۷)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	پیاده مداری
۰/۱۵۶	۰/۲۲۵	۰/۳۳۶	۰/۴۱۲	ضریب همبستگی	(میانگین: ۳/۰۱)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	سطح معناداری (sig)	ویژگی های بافت
۰/۱۵۹	۰/۳۴۱	۰/۲۰۳	۰/۴۸۹	ضریب همبستگی	(میانگین: ۱/۵۸)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	ویژگی های کالبدی
۰/۱۲۷	۰/۱۱۶	۰/۳۳۱	۰/۵۱۲	ضریب همبستگی	(میانگین: ۲/۱۱)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	ایمنی
۰/۲۲۳	۰/۱۶۴	۰/۳۳۱	۰/۲۲۷	ضریب همبستگی	(میانگین: ۱/۵۳)
۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری (sig)	

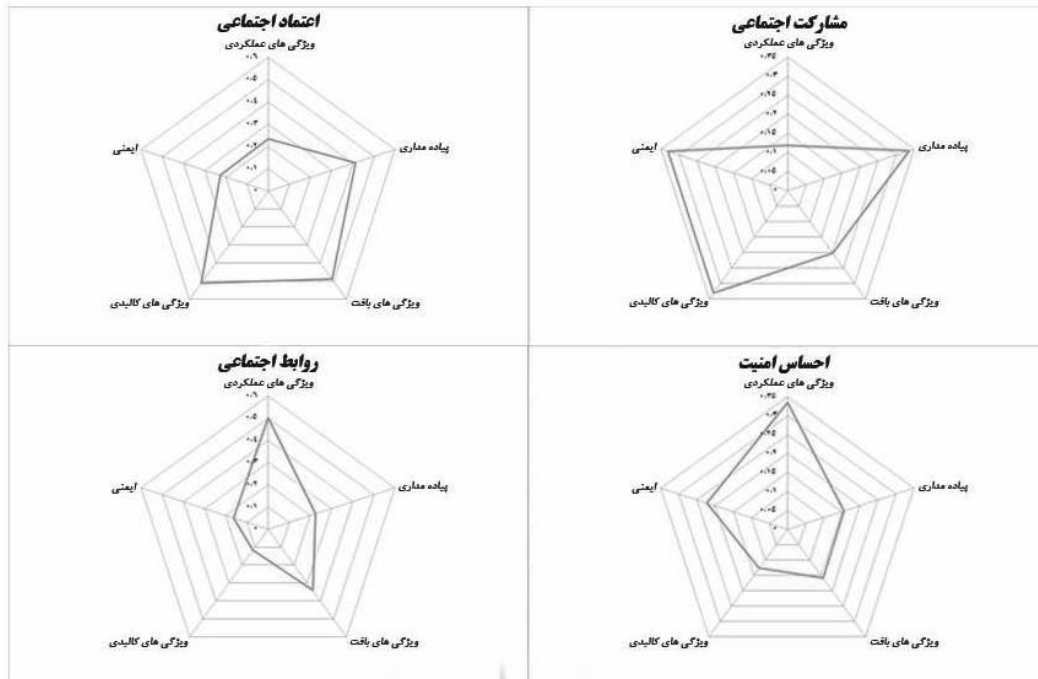
- همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد محاسبه شده است.

- میانگین در بازه ۱-۵ محاسبه شده است.

- حجم نمونه در تمام بخش ها ۳۷۲ می باشد.



شکل ۳. میانگین شاخص های مورد استفاده در پژوهش



شکل ۴. دیاگرام ضریب همبستگی بین شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

نتیجه‌گیری

جایگاه ابعاد محیطی در پایداری از یکسو و از سوی دیگر اهمیت روزافزون شاخص‌های اجتماعی در مبحث پایداری موجب توجه هر چه بیشتر به انتخاب رویکردهایی شده است که کنش متقابل میان فاکتورهای محیطی و اجتماعی را در کنار یکدیگر مورد توجه قرار دهد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از شاخص‌های کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی به بررسی رابطه متقابل بین آن‌ها به روش پیمایشی از طریق سنجش میزان رضایتمندی ساکنین و تحلیل در محله‌چیز شهر تهران پرداخته است. پایین بودن میانگین پایداری اجتماعی در محله‌چیز نشان از تنزل سرمایه اجتماعی بین ساکنین این محله دارد که در نتیجه مهاجرت‌پذیری محله در چند دهه اخیر و گسست تدریجی روابط خویشاوندی بین اهالی محله به وجود آمده است. از طرفی محله‌چیز از نظر کیفیت‌های محیطی توانسته است از ظرفیت‌های محیطی خود همچون کوچه‌باغ‌ها، باغ‌های قدیمی محله، انهار، بافت ارگانیک و پیاده‌مدار خود استفاده نماید و کیفیت‌های محیطی را ارتقاء بخشد.

تأیید رابطه معنی‌دار میان کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی نشانی دیگر از ضرورت اتخاذ رویکردهایی یکپارچه و منسجم‌تر در فرآیند تحلیل، برنامه‌ریزی و طراحی پدیده‌های شهرسازی است. نگاه یکطرفه به مسائل اجتماعی و چشم‌پوشی از مؤلفه‌های محیطی موجب دوری شهرسازی از رسالت اصلی خود که همانا ارتقاء کیفیت محیط زندگی انسان است می‌شود؛ از طرفی دیگر تأکید بیش از حد بر مؤلفه‌های محیطی موجب کاهش اثرات مثبت برنامه‌ها و طرح‌های شهرسازی بر زندگی اجتماعی ساکنین و کاهش عدالت اجتماعی خواهد شد. بنابراین با توجه به اثبات ارتباط معنی‌دار میان کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی، لزوم توجه همزمان به این دو مورد و پیگیری رویکردهای یکپارچه در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی ضرورت بیش از پیش می‌یابد. ساختار و سلسله‌مراتب متوازن توزیع عملکردها به خصوص کاربری مختلط از یک طرف، و از طرف دیگر ویژگی‌های مورفولوژیک بافت محله‌چیز به خصوص بافت ارگانیک و مرکزگرایی آن که به مرکزیت امامزاده علی اکبر (ع) در مرکز محله توانسته است شاخص‌هایی همچون ویژگی‌های عملکردی و پیاده‌مداری را تقویت نماید. تأثیر مثبت کاربری مختلط و فضاهای فراغتی در مرکز محله همبستگی بالایی شاخص‌های عملکردی با احساس امنیت و روابط اجتماعی را در پی داشته است. به عبارتی دیگر گویه‌هایی همچون عدم اختلاط کاربری‌های ناسازگار، فضای سبز محله‌ای، خدمات تفریحی و فراغتی توانسته‌اند به خوبی از یک طرف بر احساس امنیت و از طرف دیگر با ایجاد زمینه مناسب برای رخ دادن تعاملات اجتماعی بین ساکنین محله تأثیرگذار باشند.

با بررسی یافته‌های تحقیق می‌توان به نقش مستقیم و غیرمستقیم مرکز محله بر ارتقاء کیفیت‌های محیطی و پایداری اجتماعی محله پی برد؛ مرکز محله صرفاً به عنوان یک مرکز کالبدی به ایفای نقش نمی‌پردازد بلکه با ارتقاء سطح تأثیرگذاری خود، سعی در تغییر ساختارهای اجتماعی محله نیز دارد؛ این موضوع را می‌توان با همبستگی بالای میان گویه‌هایی همچون خدمات تفریحی و فراغتی و سلسله مراتب کاربری‌های خدمات با احساس امنیت و روابط اجتماعی که در پیرامون مرکز محله سازماندهی شده‌اند به خوبی مشاهده نمود. مرکز محله همچون قلب تپنده محله عمل می‌کند و با سازماندهی عملکردها و ساختارهای اجتماعی به کیفیت محیطی و پایداری اجتماعی محله یاری می‌رساند؛ این همان نقشی است که مرکز محله در مدل شهرسازی سنتی و بومی محلات ایرانی در گذشته ایفا می‌کرده است. توسعه مدل‌های نظری مربوط به برنامه ریزی محله مینا با تأکید بر نقش اساسی مرکز محله، پیاده مدار کردن دسترسی‌های محله‌ای، استفاده از کاربری‌های مختلط، توسعه شبکه‌های اجتماعی محلی و در نهایت ایجاد فضاهای زمینه ساز رخ دادن کنش ارتباطی بین اهالی محله را می‌توان به عنوان مهمترین پیشنهادات این تحقیق ارائه نمود.

منابع و مأخذ

- اورنگ، ملاح. (۱۳۸۶). *سنجش کیفیت محیط در بازسازی‌های پس از سانحه مطالعه موردی فضاهای عمومی شهر بم*. پایان‌نامه منتشر شده کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی.
- بحرینی، سید حسین و طیبیان، منوچهر. (۱۳۷۷). مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری. *محیط‌شناسی*، ۲۴(۲۱)، ۴۱-۵۶.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۷). *شهرسازی شهروندگرا*. ترجمه محمد احمدی نژاد. تهران: نشر خاک.
- جمعه پور، محمود. (۱۳۹۲). *برنامه ریزی محیطی و پایداری شهری و منطقه‌ای*. تهران: سمت.
- جهانتاب، محمد. (۱۳۹۰). *تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت*. رساله منتشر نشده دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی رفاه.
- حاجی پور، خلیل. (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. *نشریه هنرهای زیبا*، ۱(۲۶)، ۳۷-۴۶.
- خدایی، زهرا؛ و پورخیری، علی. (۱۳۸۸). کیفیت محیط شهری و نقش آن در ارتقاء رضایت شهروندان. *پژوهشنامه مدیریت و برنامه ریزی شهری*، ۲۴(۳۶)، ۱۲۹-۱۵۲.
- رفعیان، مجتبی؛ عسگری زاده، زهرا و فرزاد، مهناز. (۱۳۹۲). *مطلوب سنجی محیط‌های شهری، نگرش تحلیلی در سنجش کیفیت محیط شهری*. تهران: نشر شهر.
- شاهین راد، مهنوش. (۱۳۸۶). *بررسی عنصر آب در طراحی فضاهای شهری*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۰). *بنیادهای توسعه پایدار کلان شهر تهران*، مقاله منتشر شده در همایش موازین توسعه و ضد توسعه فرهنگی - اجتماعی شهر تهران. تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار مطالعه موردی نارمک. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۷(۲۷)، ۳۵-۴۶.
- علی پور، روجا؛ خادمی، مسعود؛ سنماری، محمد مهدی و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۱). شاخصه‌های کیفیت محیطی در شناسایی اولویت‌های مداخله در محدوده بافت فرسوده شهر بندرلنگه. *باغ نظر*، ۹(۲۰)، ۱۳-۲۲.
- کازمی محمدی، سید مهدی. (۱۳۷۸). *ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری پژوهش موردی شهر قم*. رساله منتشر نشده دکتری. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای انسانی.
- کلاتری، خلیل و عبدالله‌زاده، غلامحسین. (۱۳۹۱). *برنامه ریزی فضایی و آمایش سرزمین*. تهران: فرهنگ صبا.
- گلکار، کوروش. (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. *صفه*، ۱۱(۳۲)، ۳۸-۶۵.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). *تئوری شکل خوب شهر*. ترجمه حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Adebote, D. A., Oniye, S. J., & Muhammed, Y. A. (2008). Studies on mosquitoes breeding in rock pools on inselbergs around Zaria, northern Nigeria. *Journal of Vector Borne Diseases*, 45(1), 21-29.
- Bentley, I. (Ed.). (1985). *Responsive environments: A manual for designers*. Routledge.
- Bernheim, S. M., Ross, J. S., Krumholz, H. M., & Bradley, E. H. (2008). Influence of patients' socioeconomic status on clinical management decisions: a qualitative study. *The Annals of Family Medicine*, 6(1), 53-59.

- Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2003). Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome. *Landscape and urban planning*, 65(1-2), 41-52.
- Carmona, M., & Tiesdell, S. (Eds.). (2007). *Urban design reader*. Routledge.
- Colantonio, A., & Lane, G. (2007). Measuring social sustainability, Best Practice from Urban Renewal in the EU, 2007/01: EIBURS Working Paper Series. *Oxford Institute for Sustainable Development (OISD)-International Land Markets Group*.
- Cooper, R., Evans, G., & Boyko, C. (2009). *Designing sustainable cities*. John Wiley & Sons.
- Cowan, R., & Rogers, L. (2005). *The dictionary of urbanism* (Vol. 67). Tisbury: Streetwise press.
- DETR & CABE. (2000). *By Design: Urban Design in the Planning System: Toward better Practice*, London: DETR Publication.
- Dye, C. (2008). Health and urban living. *Science*, 319(5864), 766-769.
- Eizenberg, E., & Jabareen, Y. (2017). Social sustainability: A new conceptual framework. *Sustainability*, 9(1), 68.
- English Partnerships & Housing Corporation. (2000). *Urban Design Compendium2: Delivering Quality Places*. London: Roger Evans Associate.
- Fobil, J., May, J., & Kraemer, A. (2010). Assessing the relationship between socioeconomic conditions and urban environmental quality in Accra, Ghana. *International journal of environmental research and public health*, 7(1), 125-145.
- Greed, C., & Roberts, M. (2014). *Introducing urban design: interventions and responses*. London: Routledge.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*, London: Vintage.
- Jenkins, B., Annandale, D., & Morrison-Saunders, A. (2003). The evolution of a sustainability assessment strategy for Western Australia. *Environmental and Planning Law Journal*, 20(1), 56-65.
- Maclaren, V. (1996). Urban sustainability reporting. *Journal of American Planning Association*, 62(2): 183-184.
- Magee, L., Scerri, A., James, P., Thom, J. A., Padgham, L., Hickmott, S., ... & Cahill, F. (2013). Reframing social sustainability reporting: towards an engaged approach. *Environment, development and sustainability*, 15(1), 225-243.
- Pacione, M. (2003). Urban environmental quality and human wellbeing—a social geographical perspective. *Landscape and urban planning*, 65(1-2), 19-30.
- Polese, M., & Stren, R. E. (Eds.). (2000). *The social sustainability of cities: Diversity and the management of change*. University of Toronto Press.
- Reekie, R. F. (1972). *Design in the built environment*, London: Edward Arnold.
- Sachs, I. (1999). Social sustainability and whole development: exploring the dimensions of sustainable development. *Sustainability and the social sciences: a cross-disciplinary approach to integrating environmental considerations into theoretical reorientation*, 25-36.
- Samuelsson, B., Azar, C., Holmberg, J., Johansson D.J.A., Morrison, G., Nassen J., Ahman, M., Ahlback, A., Sterner, T. & Hyden, H. (2004). *From Here to Sustainability-Is the Lisbon/Gotenborg Agenda Delivering?*, Sweden: Chalmers University Publications.
- Shahbaz, M., Mallick, H., Mahalik, M. K., & Loganathan, N. (2015). Does globalization impede environmental quality in India?. *Ecological Indicators*, 52, 379-393.
- Shearlock, C., James, P., & Phillips, J. (2000). Regional sustainable development: are the new regional development agencies armed with the information they require?. *Sustainable Development*, 8(2), 79-88.
- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and urban planning*, 65(1-2), 5-18.
- Weingaertner, C., & Moberg, Å. (2014). Exploring social sustainability: Learning from perspectives on urban development and companies and products. *Sustainable Development*, 22(2), 122-133.
- Wheeler, S. M. (2013). *Planning for sustainability: creating livable, equitable and ecological communities*. London: Routledge.